

تحلیل نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (مطالعه موردی: نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی)

مسعود قهرمانی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده علوم انسانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران (نویسنده مسئول).

mhd472002@yahoo.com

فرشاد زواری خانقاه

کارشناسی ارشد مدیریت دولتی - مدیریت تحول، گروه مدیریت دولتی، دانشکده علوم انسانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی،

مهاباد، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: تحقیق حاضر با هدف تحلیل نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (مطالعه موردی: نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی) انجام شد.

روش پژوهش: بر حسب هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی به تعداد ۸۶۲۹۸ نفر که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده، انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه محقق ساخته روا و دارای ضریب پایایی ۰/۸۸۷ انجام شد. از آمار توصیفی و استنباطی، نرم‌افزار SPSSV25 و آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی (فکر، علم، معنویت، زندگی) و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (امنیت، استقلال، اقتدار) نقش مثبت و مستقیم دارد.

نتیجه‌گیری: نگاره نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت، ترسیم شد.

واژگان کلیدی: الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، تحول عرصه‌های راهبردی، ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت.

مقدمه

سه سال پس از آنکه تفکر راهبردی تدوین الگوی پیشرفت با مختصات اسلامی و ایرانی از جانب حضرت آیت‌الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح گردید، با هدف تمرکز امور مربوط به تدوین الگو، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سال ۱۳۹۰ تأسیس شد. ثمره هفت سال تلاش و تولیدات مکتوب و نشست‌های متعدد سیزده اندیشکده در مهرماه ۱۳۹۷ تحت عنوان سند الگوی پایه، به همراه نامه فراخوان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) جهت اصلاح و تکمیل آن منتشر شد. این سند، نقشه راه پنجاه سال آینده کشور بوده و مشتمل بر پنج بخش است:

الف - مبانی (خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی، دین‌شناختی).

ب - آرمان‌ها (نیل به خلافت الهی و حیات طیبه).

ج - رسالت (حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست بوم ایران).

د - افق (در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی، جمهوری اسلامی ایران از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت جزء چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا خواهد بود).

ه - تدابیر (پنجاه و شش تدبیر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، ...) (خاندوزی و همکاران، ۱۳۹۸).

الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده است (مشکات، ۱۳۹۳). این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و براساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است. این الگو اهم

پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان شمول معطوف به پیشرفت را ارائه می‌دهد (امیدی و فلاح، ۱۳۹۷).

بیان مسئله

با هدایت و توفیق خداوند جلّ و علا؛ طراحی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان حاصل تلاش نظام‌مند صاحب‌نظران و استادان دانشگاهی و حوزوی، پس از هفت سال در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی به نتیجه رسید. ان‌شاءالله؛ بر این اساس، کشور راه پیشرفت را خواهد پیمود و طلیعه‌ی مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی در زیست بوم ایران رخ خواهد نمود. با توجه به الگوی مذکور، سیر کلی تحولات ایران در چهار عرصه راهبردی فکر، علم، معنویت، و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در پنجاه سال آینده است (فراخوان رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۱۳۹۷/۰۷/۲۲). هم‌چنین، پیوستگی مردم و حکومت، مبنایی راهبردی برای ارتقاء امنیت، استقلال، و اقتدار جامعه اسلامی ایرانی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ هجری شمسی است (بند سوم سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ابلاغ از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی به سران قوای سه گانه در ۱۳۸۲/۰۸/۱۲).

با این توصیف، تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، و سایر سیاست‌های کلی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی؛ به مثابه نقاط قوت تلقی می‌شوند و در واقع، نقشه‌های جامع برای راهبری ایران اسلامی و هدایت کشور در جهت پیشرفت بنیادین و تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی هستند. بطور هم‌زمان، احتمالاً محدودیت دانش و مشارکت ناکافی نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی نسبت به محتوای ارزشی و فرهنگی - علمی اسناد مذکور، آسیب یا تهدیدی اساسی برای اجرای مطلوب نقشه‌های راهبردی و در نتیجه کُند شدن فرایند پیشرفت بنیادین

قدرت مطلق خداوندی است که ذات نایافته از هستی بخش را جنب و جوش بخشیده است. تحرک درونی ایجاد شده در جامعه، نوید بخش رسیدن به آرمان‌های اسلامی است (ندایی، ۱۳۸۷).

لازمه پیشرفت آن است که بُعد دیگر مشکلات و بحران‌ها دیده شود و اراده لازم برای بهره‌برداری از فرصت‌های پدید آمده وجود داشته باشد. وجود چالش‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نمایان شدند، نشان جدی بودن مسئله پیشرفت و تحول در جامعه ایران بود. نظام مقدس جمهوری اسلامی در ساختاری حکیمانه طراحی شده است؛ بنابراین، تصمیم‌سازی‌های اساسی آن و تعیین مسیر پیشرفت کشور باید با مشارکت گسترده دانشمندان، صاحب‌نظران و نخبگان انجام شود (قاضی‌زاده، ۱۳۹۴). این امر در سنخیت و تناسب تام با روح و جان یک نظام است که در قانون اساسی منعکس است. هم‌چنین، گفت‌مان‌های اساسی که در جامعه شکل می‌گیرد و حرکت‌های فکری و نظری که زیربنای اقدام‌های مهم پیشرفت کشور است، باید با اندیشه‌ورزی و ابراز نظر شخصیت‌های علمی، حوزوی و دانشگاهی انجام شود (امیدی و فلاح، ۱۳۹۷). تصمیم‌های مهم باید در حلقه‌های علمی ساخته شود تا براساس آن، مسؤولان کشور، تصمیمات صائب را اتخاذ کنند. ضرورت تدوین الگوی جامع پیشرفت از دیرباز مدنظر بسیاری از فرهیختگان و دانشمندان کشور بوده است و اساساً یکی از علل عدم دست‌یابی به پیشرفت کامل در همه ابعاد کشور را در فقدان چنین الگویی می‌توان جست (سرآبادی، ۱۳۹۵).

بطور مسلم، پیشرفت بنیادین کشور مشتمل بر تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت، بایستی با ابتناء بر الگوی اسلامی ایرانی باشد. با این توصیف، سؤال اصلی و فرضیه‌های پژوهش حاضر، عبارت است از: آیا الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت از

و تمدن‌سازی نوین کشور خواهد بود. پس، چاره‌اندیشی پژوهش محور براساس نظریه مبانی پیشرفت بنیادین از منظر حضرت آیت الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)، ضروری می‌نماید.

پیش از سده سیزدهم هجری قمری، مرادۀ اخلاقی مبتنی بر عدل، غالب‌ترین خصلت عرصه سیاست و حکمرانی ایرانی بود؛ از این منظر، مردم حکومت‌شده‌گانی‌اند که هویت‌یابی سیاسی آنان تنها در دایره کردار حاکمان امکان‌پذیر می‌شد. کنش سیاسی، صرفاً حاکمانه و به تبع عادلانه بود و مردم در منزلت رعیت، صرفاً موضوع کردارهای حاکمان خود بودند؛ در این جهان‌بینی سیاسی، حاکم راعی اعظم است که لطف خود را هم‌چون رسالتی اخلاقی که ذیل لطف و اراده اخلاقی خداوند قرار دارد، بر رعیت اعمال می‌کند. این، نگاه غالب در سنت نظری و عملی اجتماعی و سیاسی ایران بود (کردحسین، ۱۳۹۴). اما، ماهیت حکومت در اسلام، عبارت از ولایت و در انتظار آینده بودن است. لازمه این انتظار هم خوشبینی به آینده و عمل به تکالیف است که البته نمی‌تواند به دلیل محاسبه نتایج محسوس، صرف نظر شود. بیان ارزشمند و معروف امام خمینی (ره) روشنگر است که فرمودند: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه». ولایت، سخن آینده است که در زمان حال سروده می‌شود و انسان و جامعه را در مسیر آینده سوق می‌دهد (لاریجانی و غلامی، ۱۳۹۰). ولایت، بیانگر این حقیقت است که آنچه بشر و زندگی او را اداره می‌کند؛ در تسخیر آینده بودن است. آینده است که ما را به سوی خود فرا می‌خواند و برای تحقق حوادث آتی، ایفای نقش‌هایی را به ما می‌سپارد. به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری، موجودات از پشت سر رانده نمی‌شوند؛ از جلو هم کشیده می‌شوند. رسیدن بهار طبیعت که انتظار آینده و شوق نیل به آن را در دل‌ها زنده می‌کند، شور و عزم پیشرفت که در همه زوایای جامعه اسلامی ایران ظاهر شده است؛ به طبقه خاصی تعلق ندارد و بلکه در واقع ظهور

دستگاه‌ها، مراکز علمی، نخبگان و صاحب‌نظران را به بررسی عمیق ابعاد مختلف سند تدوین‌شده و ارائه‌ی نظرات مشورتی جهت تکمیل و ارتقای این سند بالادستی فرا خواندند. معظم‌له، در بند پنج متن ابلاغ، چنین مقرر می‌دارند: دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران، این سند را عمیقاً بررسی نمایند و با ارائه پیشنهادهای مشخص برای ارتقای آن، بیش از پیش در ترسیم هدف و مسیر پیشرفت کشور مشارکت جویند بر مبنای الگوی پیشرفت، سیر کلی تحولات مطلوب ایران در چهار عرصه راهبردی فکر، علم، معنویت، و زندگی خواهد بود (۱۳۹۷/۰۷/۲۲). هم‌چنین، مطابق بند سه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز از ویژگی امن، مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت، برخوردار می‌شود. با این توصیف، اهمیت پژوهش حاضر در این است که با هدف تحلیل نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت، اسناد راهبردی مذکور را در کانون تمرکز و مطالعه علمی قرار داده است.

ادبیات پژوهش

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: یک الگو، طرح معرفی (به ویژه کوتاه) یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، نظام یا مفهوم در نظر گرفته شده است (اسمعیلی گیوی، ۱۳۹۷). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، یک الگوی نظریه‌ای با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌پردازد. پیشرفت عبارت است از: فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. الگوی پیشرفت مشتمل بر سه امر است:

الف) تحلیل وضعیت موجود، ب) تبیین وضعیت مطلوب، ج) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. نظریه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت سه امر فوق را براساس

نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی، نقش دارد؟

۱- الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه راهبردی فکر از نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی، نقش دارد.

۲- الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه راهبردی علم از نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی، نقش دارد.

۳- الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه راهبردی معنویت از نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی، نقش دارد.

۴- الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه راهبردی زندگی از نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی، نقش دارد.

۵- الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (امنیت) از نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی، نقش دارد.

۶- الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (استقلال) از نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی، نقش دارد.

۷- الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (اقتدار) از نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی، نقش دارد.

اهمیت و هدف پژوهش

حضرت آیت‌الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بی‌تدوین الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت که در آن، اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت و افق مطلوب کشور در پنج دهه‌ی آینده، ترسیم و تدابیر مؤثر برای دستیابی به آن طراحی شده است؛

و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است. مبانی، اهم پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان شمول معطوف به پیشرفت را ارائه می‌دهد. آرمان‌ها، ارزش‌های فرازمانی فرامکانی و جهت بخش پیشرفت است. مبانی و آرمان‌ها وجه اسلامیت الگو را تضمین می‌کنند. رسالت، میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت است. افق، آرمان‌های الگو را بر جامعه و زیست بوم ایران در نیم قرن آینده تصویر می‌کند و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعود معین می‌سازد. تدابیر، تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفا ساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به منظور رسیدن به افق است. این الگو با ایمان استوار و عزم راسخ و تلاش عظیم و مدبرانه مردم و مسئولان جمهوری اسلامی ایران اجرا خواهد شد (فراخوان رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۱۳۹۷/۰۷/۲۲) (شعب، ۱۳۹۷).

تحول عرصه‌های راهبردی: مفهوم لوزی توسعه، الهام‌گرفته از نظریات توسعه است و لوزی جدید نوسازی در ایران محسوب می‌شود که معطوف به پیشرفت است. این لوزی ۴ بعد بنیادین دارد: بخش بالایی آن فکر است، بخش پایین، یعنی درست رو به روی فکر، معنویت قرار می‌گیرد، در سمت راست لوزی علم است و در سمت چپ آن، مسئله زندگی؛ به این معنا که فکر و معنویت باید در الگوی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نقش محوری داشته باشند. نظریه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هم بر این اساس ارائه شده و هم اکنون در حال بررسی‌های کارشناسانه و علمی است تا بتواند مبنای توسعه در ایران قرار گیرد. تدوین «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» گامی در جهت گذار از الگوی توسعه غرب محور و حرکت به یک الگوی بومی است (پورعزت، ۱۳۹۵).

مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و در چارچوب احکام و حقوق اسلامی و منطبق بر شرایط امروز ایران ارائه می‌کند (رستم‌زاده و پناهی، ۱۳۹۴). در بیان وجه توصیف این الگو به اسلامی بودن به صورت تفصیلی به توضیح اختلاف مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی توسعه کلاسیک با اسلام پرداخته و بیان شد که اختلاف در این مبانی، چگونه موجب اختلاف در الگوی پیشرفت می‌شود (مختاریان پور، ۱۳۹۶). الگوی اسلامی پیشرفت، الگویی مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی است. این الگو جهان شمول است و می‌تواند با شرایط زمانی و مکانی گوناگون منطبق شود. بر این اساس، الگوی پیشرفت، الگویی نظری است، یعنی مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها است که در ساختاری منطقی، وضعیت موجود را تحلیل و وضعیت مطلوب را تبیین می‌کند و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه می‌دهد. این الگو، در بخش تحلیل وضعیت موجود، الگویی توصیفی و در بخش ارائه وضعیت مطلوب و راهبردها، الگویی هنجاری است. رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) می‌فرماید: «اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن به دلیل تطبیق این الگو بر شرایط و ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و دفاعی ایران است». به همین دلیل الگوهای سایر کشورها برای کشور مناسب نیستند. این بحث (وجه توصیف الگوی پیشرفت به اسلامی و ایرانی) با بحث ثابت و متغیر در شریعت اسلامی ارتباط وثیقی دارد (خوش‌چهره و نیک‌بخش، ۱۳۹۱).

الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرفت‌سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم‌قرن آینده است. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و براساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی

تعالی انسان در زمینه و فضای «معنویت» معنادار می‌شود آنگاه دست‌یابی به شاخص‌های معنویت، نقشه سلوک الهی، مدل اخلاق تمدنی، نظام عرفان عملی تمدنی، شاخص‌های زندگی معنوی از زیرساخت‌های لازم برای الگوی پیشرفت محسوب می‌شوند (عسگری و همکاران، ۱۳۹۴).

ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت: سند چشم‌انداز بیست ساله کشور مسیر پیشرفت ایران را در دو دهه آتی به تصویر کشیده است؛ این سند تجلی آرمان‌ها و اهداف ملت ایران است که نظام جمهوری اسلامی به عنوان مجری اراده عمومی مسئولیت تحقق آن را بر عهده دارد. بی‌تردید تحقق این اهداف و آرمان‌ها بدون پیوند تنگاتنگ مردم و حکومت و همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل میسر نخواهد بود. موضوع اعتماد عمومی به مبحث مهمی در ادبیات مدیریت دولتی تبدیل شده است (توماس^۱، ۱۹۹۸)؛ در واقع افول اعتماد عمومی نسبت به نهادها و سازمان‌های دولتی کشورها، نشانه وجود نوعی مشکلات اساسی در ماهیت نظام‌های سیاسی مردم سالار محسوب می‌شود (چنلی^۲، ۲۰۰۰). اگر دولت‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها مشروعیت مردمی خود را از دست دهند توان فرمانروایی دولت در واداری مردم به رعایت قانون و مقررات و همراهی آنها با خود، در مسیر تحقق اهداف کشور کاهش خواهد یافت. بر این اساس دولت‌ها می‌کوشند تا اعتماد شهروندان را به خود جلب کنند، زیرا با کاهش اعتماد عمومی احتمال مشارکت عامه مردم در فرآیند سیاسی کاهش خواهد یافت. اعتماد عمومی، میزان مشارکت شهروندان در کمک به دولت در انجام امور عمومی به ویژه پرداخت انواع مالیات‌ها و عوارض و به طور کلی همکاری با بخش عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بی‌تردید برای ایجاد اعتماد عمومی با هر نگاهی، پیوند شهروندان و دولت ضروری است. اعتماد در پیوستگی مردم و حکومت شکل می‌گیرد (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۱).

امنیت، انتظار نخست انسان‌ها از حکومت‌ها است که امروزه ابعاد گسترده و متنوعی یافته است. تأثیرپذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت و جمعیت و تأثیرگذاری آن بر

عرصه راهبردی فکر: تفکر به کارگیری ابزارهای مقایسه، تجزیه، ترکیب و انتزاع برای تولید مفاهیم جدید از مفاهیم بنیادین و تولید گزاره‌های جدید از گزاره‌های بنیادین و دست‌یابی به پاسخ موجه برای مسائل. اگر رشد و تعالی انسان نیازمند ابزار تفکر است آنگاه دست‌یابی به روش تفکر بهینه و برتر، اصلی‌ترین زیرساخت برای الگوی پیشرفت محسوب می‌شود.

عرصه راهبردی علم: علم، تک گزاره یا مجموعه گزاره‌هایی که توصیف یا تبیین موجهی از واقعیت را ارائه می‌کنند. علوم تجربی، توصیف و تبیین پدیده‌های محسوس برای دست‌یابی به قدرت کنترل آنها. علوم انسانی، توصیف و تبیین ابعاد مختلف رفتار انسانی برای دست‌یابی به پیش‌بینی و کنترل آنها که عینی و ناظر به واقع هستند. علم دینی، گزارش روشمند و نظام‌مند از توصیف و تبیین دین نسبت به پدیده‌های هستی و انسانی.

عرصه راهبردی زندگی: زندگی، حرکت انسان در فکر، روح و رفتار در مقیاس فردی و جمعی، برای رفع نیازها در کلیه لایه‌های هرم نیازها. زندگی شبکه‌ای است و برآیند معادلات حرکت انسان در شبکه هستی است. اگر رشد و تعالی انسان در زمینه و فضای «زندگی» صورت می‌پذیرد آنگاه دست‌یابی به «شبکه موضوعات و مسائل زندگی»، «هرم نیازها»، «نقشه یک تمدن»، «سبک زندگی»، «شاخص‌های زندگی سالم» از زیرساخت‌های لازم برای الگوی پیشرفت محسوب می‌شوند.

عرصه راهبردی معنویت: معنویت، احساس کشش درونی و قلبی انسان برای ارتباط با منبع وجودی بی‌نهایت (خدا). معنویت، تابعی است از: باور به وجود عوالمی نامحسوس که برتر از طبیعت مادی محسوس است و قابل دسترس است. باور به این‌که رفع نیازهای طبیعی، ارضاء کننده نهایی نیست و سعادت در رسیدن به لایه‌های فوقانی هرم نیازهاست. باور به این‌که پس از مرگ، نتیجه اعمال، و اثر افکار، احساس و رفتارهای انسان به او خواهد رسید و رنج یا لذت دائمی در پی خواهد داشت. اگر رشد و

همه شاخه‌های توسعه و حیات انسانی، به آن نقش بنیادین داده و همه فیلسوفان سیاسی گذشته و حال را به تأمل در آن وا داشته است. فیلسوفانی که دغدغه عدالت داشته‌اند، آن را شرط ضروری عدل دانسته‌اند، و کسانی که به رفاه می‌اندیشند، آن را عامل اصلی آسایش شمرده و آنان که بر توسعه سیاسی یا اقتصادی تکیه کرده‌اند، امنیت را عامل و نیز حاصل آن تلقی کرده‌اند و همه کسانی که برای حاکمیت ارزش‌های معنوی تلاش دارند، آن را مقدمه این واجب می‌دانند. بدیهی است مقوله‌ای با این گستردگی، در بیانات ارزشمند علوی (علیه السلام)، به شکل مبسوط و در قالب‌های متنوع مطرح شده که ارائه گزارشی از آن، به نگارش حجیم و اثری مستقل نیازمند است. حکومت بدون امنیت، حکومت نیست و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آن‌ها است. امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش شرط هر گونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. از بیان ارزشمند حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) در مورد ضرورت حکومت این معنا به خوبی استفاده می‌شود (شکوهیان‌راد، ۱۳۹۴). حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)، آنگاه که شعار خوارج را شنیدند که می‌گویند، لَأَ حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ در سال ۳۷ هجری قمری در مسجد کوفه فرمودند:

قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): كَلِمَةٌ حَقٌّ يَرَادُ بِهَا بَاطِلٌ نَعَمْ إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ وَ لَكِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ لَا إِمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يَسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ.

سخن حقیقی است، که از آن اراده باطل شد آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی این‌ها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به

زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم به‌رمنند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت، بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند (الشریف الرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۴۰).

تحقق سایر اهداف ملی تابعی از تحقق استقلال به معنای واقعی آن می‌باشد. تا زمانی که ملتی به استقلال نرسد اصولاً به عنوان عضوی از جامعه پذیرفته نشده و احساس آرامش و امنیت نخواهد داشت، در صورت استقلال، آنگاه خواهد توانست خود را از سلطه دولت دیگر آزاد کرده و حق تعیین سرنوشت را از آن خود ساخته و به جای قوانین جزایی و کیفری دولت بیگانه قوانین و نهادهای بومی ایجاد کند؛ حال باید یکی پس از دیگری وظایف خود را انجام دهد. به عبارت دیگر، پس از اتمام پویش ملت‌سازی سایر اهداف ملی تحقق می‌یابد که کسب استقلال یکی از مختصات حقوقی - سیاسی این پویش می‌باشد. از این جا به بعد است که کارکردهای کلانی چون امنیت، یکپارچه‌سازی و استمرار یا تثبیت آن، توسعه و رفاه ملی بر عهده دولت جدیدی خواهد بود که به جای دولت استعمارگر یا سلطه‌گر یا امپراتوری فروپاشیده، زمام حکومت و قدرت را در دست دارد. هر قدر میزان اتکای یک واحد سیاسی از نظام بین‌الملل کمتر باشد، قدرت مانور آن بیشتر است و می‌تواند برای دنیا هنجارها و ارزش‌های رفتاری تعیین کند و برعکس هر قدر وابستگی او به نظام بین‌الملل بیشتر باشد، طبیعی است که در اتخاذ رفتارهای خارجی باید نگاهی به حلقه‌های وابستگی خود بنماید (تابلی، ۱۳۹۲).

حضرت آیت الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی) در فرازی ارزشمند از فریضه عبادی سیاسی نماز جمعه (یوم‌الله ۱۳۹۸/۱۰/۲۷) می‌فرماید: باید چه کار کنیم؟ من در یک کلمه عرض می‌کنم؛ ملت عزیز ایران باید هم‌شانش این باشد که قوی

بشوند. تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است از قوی شدن؛ باید تلاش کنیم قوی بشویم؛ ما از مذاکره هم ابائی نداریم؛ البته نه با آمریکا [شیطان بزرگ]؛ با دیگران؛ اما نه از موضع ضعف، از موضع قوت، از موضع قدرت. ما بحمدالله دارای قدرتییم و به توفیق الهی قوی تر هم خواهیم شد. البته قدرت فقط قدرت نظامی نیست؛ اقتصاد کشور باید قوی شود، وابستگی به نفت بایستی تمام بشود، نجات پیدا کنیم از وابستگی اقتصادمان به نفت؛ جهش علمی و فناوری باید ادامه پیدا کند؛ پشتوانه‌ی همه‌ی این‌ها هم حضور مردم عزیزمان در صحنه است. باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاش‌شان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تبلی؛ این اگر [محقق] شد، به توفیق الهی، به فضل الهی، ملت ایران در آینده‌ی نه چندان دوری آن‌چنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند.

اقتدار را به لحاظ مفهومی در مقابل قدرت عریان قرار می‌دهند؛ اگر چه خود یکی از انواع و اشکال اعمال قدرت است. برای درک بهتر مفهوم اقتدار و تشخیص جایگاه آن در حوزه مباحث حاکمیت و سیاست، ابتدا باید به تعریف و تفهیم قدرت به عنوان ریشه مفهومی اقتدار مبادرت نمود. سیاست و غلبه اساساً بر بنیاد قدرت پا می‌گیرد. علمای سیاست چون وبر و مورگنتا، قدرت را به عنوان غایت و در عین حال ابزار سیاست تعریف کرده‌اند. در این تعبیر، قدرت به معنای توانایی تحمیل اراده بر دیگران است. قدرت را بایستی در مناسبات اجتماعی دنبال نمود و آن را براساس: موقعیت شخص در یک رابطه اجتماعی نابرابر که بتواند خواست خود را علی‌رغم هر مقاومتی اعمال نماید. تعریف کرد؛ اما راسل 3 بدون تصریح به ماهیت اجتماعی قدرت، آن را توانایی ایجاد آثار و نتایج موردنظر تعریف کرده و با انرژی در فیزیک مقایسه می‌نماید. او معتقد است که قدرت همانند انرژی، دارای اشکال گوناگونی مثل ثروت، سلاح، نفوذ معنوی، مقام و موقعیت اجتماعی است و دولت‌ها می‌توانند با به دست آوردن این قدرت و حفظ آن، مردمان حکومت خود را به خود نزدیک سازند (لاریجانی و غلامی، ۱۳۹۰).

چاپلد ۴ نیز با یک تقلیل مفهومی، قدرت را کشف بزرگ بشر می‌داند و می‌گوید: بالاخره پدیده جنگ به کشف بزرگی نیز انجامید و آنان که انسان را هم چون حیوان می‌تواند زیر فرمان آورد و دشمن مغلوب را به جای کشتن می‌توان اسیر کرد در قبال بازپس گرداندن زندگی، به کارش واداشت. پس از این کشف است که قدرت به عنوان یک پدیده اجتماعی و مستقل، وارد فعل و انفعال اجتماعی گردید (کلمن 5، ۱۳۸۶).

پیشینه پژوهش

رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به راهبردهای ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت با تأکید بر وحدت ملی پرداختند. نتایج نشان داد که نظام مکتبی - مردمی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از راهبردهای تدافعی برای کاستن از ضعف‌ها و دوری از تهدیدها استفاده نماید.

شعیب و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان ضرورت‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) انجام دادند. یافته‌های بحث حکایت از آن دارد که ناکارآمدی الگوهای غربی توسعه، ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت، و تبیین الگویی مبتنی بر شاخصه‌ها و ارکان اسلامی، از جمله عواملی هستند که تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) ضروری کرده‌اند.

مختاریان‌پور (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان الگوی فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام داد. در نتیجه، الگویی مشتمل بر ۴ بخش تدوین بنیان‌های اسلامی پیشرفت، زمانه‌شناسی، مسأله‌شناسی، طراحی نظام حکمرانی، نهادهای لازم و قواعد اساسی برای تحقق پیشرفت اسلامی ایرانی، طراحی افق جمهوری اسلامی ایران و نظام اجرا و ارزیابی الگو، تعریف برنامه‌های میان مدت پیشرفت، مدیریت تولید علوم بومی (اسلامی - ایرانی)، گفت‌وگو سازی و طراحی و پیاده‌سازی الگوی تحول می‌باشد.

روش تحقیق حاضر، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری مشتمل بر کلیه نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی و به تعداد ۸۶۲۹۸ نفر بوده که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۲ نفر به تفکیک جدول (۱) و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده به عنوان اعضای نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته با هدف سنجش نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت شامل ۱۸ گویه و ابعاد مربوط می‌باشد. از روش روایی صوری و آنالیز آماری آلفای کرونباخ استفاده شد که پایایی پرسشنامه برابر با ۰/۸۸۷ گزارش گردید. از آمار توصیفی و استنباطی، نرم‌افزار SPSSV25 و آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

توکلی و بادی‌پور (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان سنجش تطبیقی الگوی توسعه روستایی کشور با توجه به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انجام دادند. نتایج نشان داد که الگوی غالب و رایج در زمینه برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران با الگوی اسلامی ایرانی مطابقت ندارد.

رستمی و غلامی (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان امنیت هستی‌شناختی و الگوهای پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران انجام دادند. براساس نتایج، ایران باید بر بومی شدن علوم و فناوری، ایستادگی در مقابل تحریم‌ها و تهدیدها، تلاش برای ارائه طرح‌های توسعه‌ای کشور هم‌چون سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با بکارگیری ابعاد اقتصاد مقاومتی در چارچوب حفظ مؤلفه‌های هویتی و عزت‌مندی نظام جمهوری اسلامی، تاکید نماید.

روش پژوهش

جدول ۱- تفکیک نمونه آماری

سازمان‌ها و نهادها	تعداد جامعه آماری	تعداد نمونه
نهادهای حکومتی	۲۵۹۸۷	۱۱۵
سازمان‌های دولتی	۵۸۷۶۹	۲۶۰
نهادهای مردمی	۱۵۴۲	۷
مجموع	۸۶۲۹۸	۳۸۲

را می‌توان استفاده کرد؟ بدین منظور از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

آزمون کفایت نمونه‌گیری: در تحلیل عاملی ابتدا باید اطمینان حاصل شود که آیا داده‌های موجود برای تحلیل

جدول ۲- کفایت نمونه‌گیری

آزمون بارتلت		شاخص		
سطح معناداری	درجه آزادی	آماره کای دو	آماره KMO	پرسشنامه
۰/۰۰۰	۱۷	۳۳۶/۲۹۷	۰/۸۵۲	

از ۰/۰۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار، مدل عاملی مناسب است. تعیین نرمال بودن توزیع داده‌ها: برای نشان دادن نرمال و غیرنرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف

از آنجا که مقدار شاخص KMO، ۰/۸۵۲ است (شاخص مناسب بیشتر از ۰/۶ می‌باشد) تعداد نمونه آماری برای تحلیل عاملی کافی می‌باشد. هم‌چنین مقدار سطح معنی‌داری آزمون بارتلت کمتر

استفاده شده است. اگر سطح معنی داری بزرگتر از ۰,۰۵ باشد توزیع نرمال بوده و در غیر این صورت توزیع نرمال نیست.

جدول ۳- نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف

ابعاد	تعداد	کولموگروف اسمیرنوف	سطح معنی داری
عرصه راهبردی فکر	۳۸۲	۱/۰۲۱	۰/۱۳۴
عرصه راهبردی علم	۳۸۲	۱/۹۸۵	۰/۱۳۰
عرصه راهبردی زندگی	۳۸۲	۱/۳۰۷	۰/۱۹۸
عرصه راهبردی معنویت	۳۸۲	۱/۵۲۱	۰/۱۸۵
پیوستگی مردم و حکومت	۳۸۲	۱/۰۸۹	۰/۱۶۰

با توجه به جدول ۳ نتایج آزمون نشان می‌دهد در جدول ۴، نتیجه آزمون فرضیه‌های تحقیق ارائه تمامی متغیرهای مورد بررسی نرمال می‌باشد. شده است.

جدول ۴- خروجی آزمون تی تک نمونه‌ای برای فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ها	آزمون	اختلاف میانگین	درجه آزادی	آماره آزمون	سطح معنی داری	فاصله اطمینان	
						حد بالا	حد پایین
فرضیه اول	نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه راهبردی فکر.	۰/۷۲۴	۳۸۱	۱۹/۵۳۴	۰/۰۰۰	۰/۷۹۷	۰/۶۵۱
فرضیه دوم	نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه راهبردی علم.	۰/۳۱۵	۳۸۱	۷/۷۰۱	۰/۰۰۰	۰/۳۹۵	۰/۲۳۶
فرضیه سوم	نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه راهبردی معنویت.	۰/۲۳۹	۳۸۱	۷/۲۹۹	۰/۰۰۰	۰/۳۰۳	۰/۱۷۴
فرضیه چهارم	نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه راهبردی زندگی.	۰/۰۸۷	۳۸۱	۱/۶۴۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷	۰/۱۹۱
فرضیه پنجم	نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (امنیت).	۰/۲۸۷	۳۸۱	۶/۹۹۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۶	۰/۳۶۷
فرضیه ششم	نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (استقلال).	۰/۷۵۳	۳۸۱	۳۹/۵۳۱	۰/۰۰۰	۰/۷۹۲	۰/۷۱۵
فرضیه هفتم	نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (اقتدار).	۰/۲۶۳	۳۸۱	۲۰/۵۶۹	۰/۰۰۰	۰/۲۸۸	۰/۲۳۷

میانگین (۰/۲۳۹) در تحول عرصه راهبردی معنویت، با اختلاف میانگین (۰/۰۸۷) در تحول عرصه راهبردی زندگی، با اختلاف میانگین (۰/۲۸۷) در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (امنیت)، با اختلاف میانگین (۰/۷۲۴) در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (استقلال) و در نهایت با اختلاف

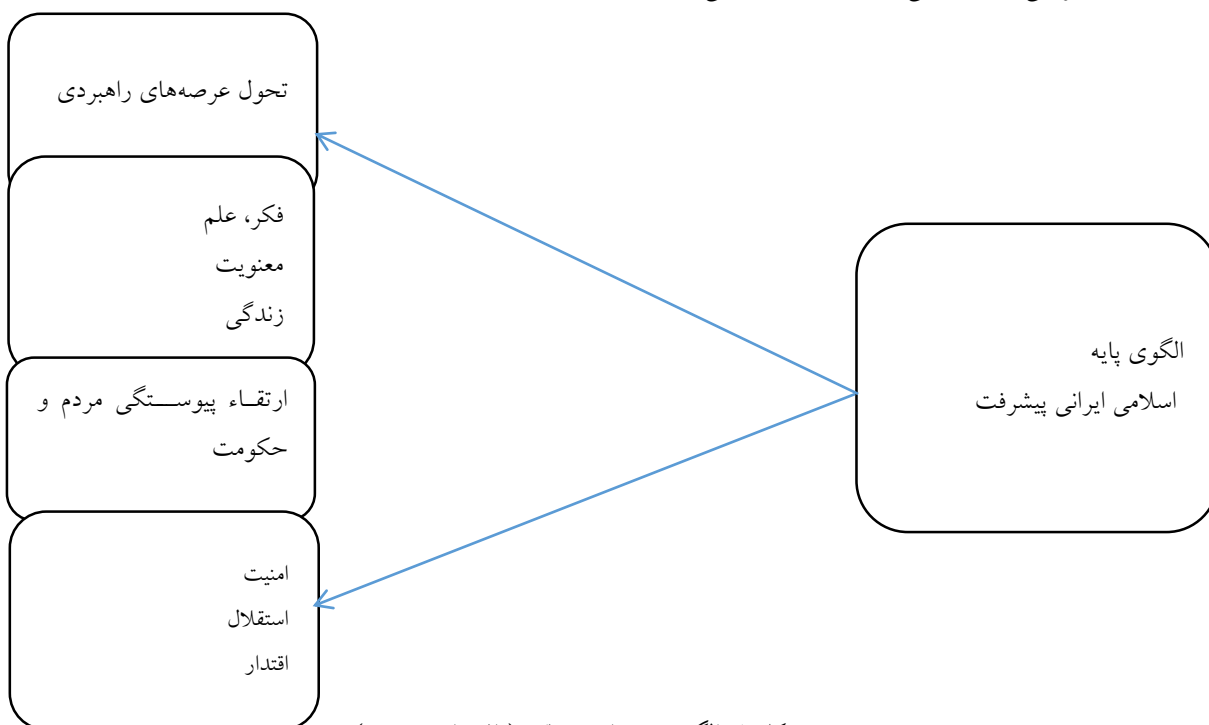
با توجه به جدول فوق و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ ($\text{sig} < 0/05$) برای تمامی مولفه‌ها، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت با اختلاف میانگین (۰/۷۲۴) در تحول عرصه راهبردی فکر، با اختلاف میانگین (۰/۳۱۵) در تحول عرصه راهبردی علم، با اختلاف

میانگین (۰/۷۲۴) در ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت (اقتدار)، نقش مثبت و مستقیم دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی تحقیق حاضر تحلیل نقش الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت از نظر نیروهای انسانی نهادهای مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان

آذربایجان غربی بود. نتایج نشان داد که الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت در تحول عرصه‌های راهبردی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت نقش مثبت و مستقیم دارد که با نظریه مبنایی پیشرفت بنیادین از منظر حضرت آیت الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)، همخوانی کامل دارد. بر این اساس، الگوی پیشنهادی تحقیق به صورت نگاره ۱ ترسیم شده است:



شکل ۱- الگوی پیشنهادی تحقیق (یافته‌های پژوهش)

و حکومت، همسو می‌باشد. با این توصیف، پیشنهادهای زیر در راستای نتایج تحقیق ارائه می‌شود.

۱- ضرورت اهتمام بنیادین نسبت به ترویج و نهادینه‌سازی فراگیر اسناد راهبردی بویژه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی در نظام‌های فرهنگی - اجتماعی، و سیاسی - اداری کشور.

۲- تحول عرصه راهبردی فکر در ابعاد عقلانیت بنیادین، ارزشی، و ابزاری در نظام‌های چهارگانه

در تبیین یافته‌ها می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که الگوی مذکور در تحول عرصه‌های راهبردی فکر، علم، معنویت، زندگی و ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت با ایجاد و حفظ امنیت، استقلال، و اقتدار؛ نقش مثبت و مستقیم دارد. نتایج تحقیق حاضر، با یافته‌های تحقیقات رستمی و غلامی (۱۳۹۵) از حیث بُعد فکر، توکلی و بادی پور (۱۳۹۵) از حیث بُعد معنویت و نتایج تحقیقات مختاریان پور (۱۳۹۵)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) و شعیب و همکاران (۱۳۹۵) از حیث ابعاد مرتبط با ارتقاء پیوستگی مردم

- ۳- تحول عرصه راهبردی علم در ابعاد نوآوری، جهاد، و استقلال علمی در نظام‌های چهارگانه.
- ۴- تحول عرصه راهبردی معنویت در ابعاد انسان محور، سیاست، زندگی و آزادی مشروع در نظام‌های چهارگانه.
- ۵- تحول عرصه راهبردی زندگی در ابعاد عدالت، رفاه، استقلال، آزادی قانون‌مدار و تعاون در نظام‌های چهارگانه.
- ۶- ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت در ابعاد امنیت، استقلال، و اقتدار در نظام‌های چهارگانه.
- ۷- ارتقای دانش و مشارکت جهادی و آگاهانه نیروهای انسانی نهاد‌های مردمی - حکومتی و سازمان‌های دولتی استان آذربایجان غربی و کشور نسبت به محتوای ارزشی و فرهنگی - علمی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، و سایر سیاست‌های کلی؛ به منظور اجرای مطلوب و فراگیر نقشه‌های راهبردی و در نتیجه، تحول مداوم و پیشرفت بنیادین کشور در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی. ... ان شاء الله.
- منابع**
- ابن ابی طالب، علی (حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام). امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق، «نهج البلاغه»، فارسی عربی، تألیف الشریف الرضی (۴۰۰ق)، ترجمه محمد دشتی، انتشارات فرایض، قم مقدس، ۱۳۷۹، چاپ اول.
- اسمعیلی گیوی، حمیدرضا (۱۳۹۷). شناسایی راهبردهای ارتقای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. مدیریت اسلامی.
- الوانی، سیدمهدی، دانایی فرد، حسن (۱۳۸۱). گفتارهایی در فلسفه تئوری سازمانی دولتی، تهران، انتشارات صفار.
- امیدی، علی و فلاح، احسان (۱۳۹۷). تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دو فصلنامه علمی پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایران.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۵). بودجه بندی عدالت محور برای پیشرفت فرامنطقه‌ای، ناشر: الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- تابلی، حمید (۱۳۹۲). شیوه‌های رهبری نخبگان شبه قاره‌ی هند (با محوریت مهاتما گاندی، جواهر لعل نهرو و ایندیرا گاندی). فصلنامه مطالعات شبه قاره.
- توکلی مرتضی، بادی‌وند، سعید (۱۳۹۵). سنجش تطبیقی الگوی توسعه روستایی کشور با توجه به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی.
- خامنه‌ای (مدظله العالی)، حضرت آیت الله العظمی امام سیدعلی (۱۳۹۸). فریضه عبادی سیاسی نماز جمعه یوم‌الله ۲۱ جمادی الاول ۱۴۴۱ (۱۳۹۸/۱۰/۲۷)
- خاندوزی، سید احسان و همکاران (۱۳۹۸). ارزیابی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش‌های کارشناسی.
- رستم‌زاده، پرویز و مجتبی پناهی (۱۳۹۴). نسبت شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی، همایش توسعه پایدار استان یزد در بستر اقتصاد مقاومتی، یزد، دانشگاه آیت‌الله حائری میبد.
- رستمی، فرزاد؛ غلامی حسن آبادی، مسلم (۱۳۹۵). امنیت هستی‌شناختی و الگوهای پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- رحیمی، غلامرضا؛ حداد عادل، غلامعلی؛ دهقان، نبی‌الله؛ مینی دهکردی (۱۳۹۸). راهبردهای ارتقاء پیوستگی مردم و حکومت با تأکید بر وحدت ملی، امنیت ملی.
- سرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۹۵). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در علم و فناوری با تأکید بر سرمایه‌های اجتماعی و انسانی، ناشر: الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۵). مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دو فصلنامه علمی پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۶). مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی.
- مشکات، محمد (۱۳۹۳). ماهیت پیشرفت و ضرورت تاملی در مبانی آن در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ناشر: الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ندایی، هاشم (۱۳۸۷). توسعه اسلامی، مولفه‌ها و شاخص‌های آن، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی.
- أصدر الإمام الخامنئي (مدظله العالی) يوم الأحد ۲۰/۱۸/۱۴۰۱؛ بلاغاً للمؤسسات، والمراكز العلمیة، والنخب وأصحاب الرأي فی البلاد طالب فیه بدراسة عمیقة للأبعاد المختلفة التي تحملها وثیقة "النموذج الإسلامی الإیرانی التأسیسی للتقدم" والإدلاء بالأراء الاستشاریة من أجل تکمیل وتطویر هذه الوثیقة التي تتمحور حولها شؤون البلاد.
- Chanley, V.A; Rudorph, T; Rahn, W (2000). The origins and Consequences of public trust in Government. Public opinion Quarterly.
- Khamenei, Sayyed Ali (2018). Ayatollah Khamenei issues guidelines to perfect Islamic-Iranian Blueprint for Progress.
- Thomas, Craig W (1998). Maintaining and restoring public trust in government agencies and their employees. Administration & Society.
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی (ابلاغ از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی به سران قوای سه گانه در تاریخ ۱۳۸۲/۰۸/۱۲) شعیب، بهمن (۱۳۹۷). الگوی اثربخش اسلامی ایرانی پیشرفت در جهان اسلام. قیسات.
- شعیب، بهمن؛ جعفری‌نژاد، مسعود؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). ضرورت‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، پژوهش‌های انقلاب اسلامی.
- شکوهیان‌راد، محمدعلی (۱۳۹۴). درآمدی بر مؤلفه‌های امنیت توحیدی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ه.ش، مجله سیاست دفاعی.
- عسگری، ناصر؛ نیکوکار، غلامحسین؛ صفری، حسین؛ غلامی، مهرداد (۱۳۹۴). الگوی شایستگی‌های مدیران دولتی جمهوری اسلامی ایران براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، مدیریت در دانشگاه اسلامی.
- فراخوان رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت. قاضی‌زاده فرد، سیدضیاء‌الدین (۱۳۸۸). ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان، فصلنامه راهبردی.
- کردحسین، علی (۱۳۹۴). تحول مفهوم مردم، از رعیت تا جمعیت؛ نخستین گام‌ها در راستای جهانی شدن در عصر فاجار. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۶). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لاریجانی، علی؛ غلامی ابرستان، غلامرضا (۱۳۹۰). رابطه اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی اسلام، مطالعات روابط بین‌الملل.

یادداشت‌ها